مطالعات محیطی هفت حصار شماره هفدهم/ سال پنجم/ پاییز ۱۳۹۵
صفحات ۴۴-۳۵

ارزیابی معیارهای مؤثر بر خاطره‌انگیزی و تصویرپذیری فضاهای شهری (نمونه موردی: خیابان ولی‌عصر تهران)

سروش کرمی*، عباس فخرایی **، ساناز کرمی***، محمدمهدی رسولی ****

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۳/۴
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۵/۱

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین انباشت خاطره بر کیفیت ادراک، شناسایی و بررسی فاکتورهای موثر بر خاطره-انگیزی و تصویرپذیری فضاهای شهری در یک نمونه موردی است تا با شفاف‌سازی چارچوب نظری این کیفیت، بتواند به برنامه‌ریزان، طراحان شهری در جهت بهبود ارتباط شهروندان با فضاهای شهری کمک کند. در این تحقیق، خیابان ولی‌عصر در شهر تهران به عنوان محدوده مطالعاتی برگزیده شده است. این پژوهش از نوع کاربردی و روش تحقیق مبتنی بر آمار استنباطی است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که حوزه‌های فعالیت و معنا از نظر کاربران واجد اهمیت بیشتری نسبت به عناصر کالبدی است. در واقع، برنامه‌ریزی برای بهبود عامل کالبدی نیز بایستی در جهت افزایش امکان شکل‌گیری فعالیت-های متنوع و نیز بهبود تصویر و سیمای محیط در ذهن کاربران فضا باشد تا موجب ارتقای میراث هویت و خاطرات جمعی و تجمع میراث ناشی از زندگی هر روزه شهروندان در محیط‌های شهری گردد.

کلمات کلیدی

فضای شهری، خاطرات جمعی، سیمای محیط، خاطره انگیزی، تصویرپذیری

* مدرس مدعو گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران. Email: soroush_karami@yahoo.com
** عضو هیئت علمی گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران. Email:abbas.fakhraee18@gmail.com
*** کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران
**** کارشناسی ارشد معماری داخلی، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1225602.1395.5.17.6.8]

مقدمه

محیط یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده به هویت انسان است. محیط از آن جهت کـه تجلـی کالبـدی باورهـا و ارزش‌هـای فرهنگی جامعه است، می‌تواند در احساس هویت یا بی‌هویتی تاثیرگذار باشد(حبیب و دیگران، ۱۴:۱۳۸۷). محـیط شـهری برای ساکن آن نقش ظرف تمامی تجربیات فردی و جمعی را دارد و در این میان ارتباط تجمع خـاطره‌هـای شهرنشـینان و عامل زمان موجب ایجاد خوانش‌های متفاوت و پژوهش‌های گسترده در زمینه ارتباط مداخلات و توسعه‌های جدید در متن شهر و تعامل نسل‌های متفاوت کالبد و محتوا در کنار یکدیگر است. این همنشینی، گفته ویلیام فالکنر را به یـاد مـی آورد، که "گذشته هیچ گاه نمرده است، در حقیقت حتی سپری نشده است." به دلیل همین ارتباطات اسـت کـه گـرایش‌هـا بـه سمت برنامه‌ریزی در جهت افزایش خاطره‌انگیزی و تصویرپذیری محیط‌های شهری بـا نظـر بـه هویـت و میـراث خـاطرات شهروندان و توجه به ایجاد تداوم تجربیات شهری با رویکردی مشارکتی است. پیوستگی و تداوم حیـات شـهری همـواره در اندرکنشی با خاطره انگیزی حیات هر روزه پدید می‌آید. چنانکه هانری لفور در کتاب تولید فضا (Lefebvre,1991) غنـا و پویایی محیط‌های شهری را وابسته به تجمع هویت و معنا در قالب زندگی هرروزه می‌داند و می‌توان گفـت ارتقـای کیفیـت زندگی شهروندان در بستر محیط شهری ناشی از تلفیق کیفیات گوناگون است(Sternberg, 2000). لاجرم به کلیـه ابعـاد حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی نظام شهری مرتبط می شود(گلکار، ۷۴:۱۳۸۶). در این راسـتا، سـوالاتی کـه مطرح می‌شود این است که انباشت خاطره چگونه بر ارتباط شهر و شهروندان و کیفیت زندگی آنان اثـر مـی‌گـذارد؟ و دوم اینکه مدیران، برنامه‌ریزان، طراحان شهری برای بهبود ارتباط شهروندان و محیط سکونت آنهـا و افـزایش خـاطره‌انگیـزی و تصویرپذیری محیط‌های شهری بایستی چه ابعادی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و چگونه از مشارکت کاربران فضـا در جهت تدوین چشم اندازهای توسعه های آتی و حفظ ارزش‌های موجود بهره‌مند شوند؟.

شهر، خاطره، هویت

آشناپنداری شهرنشین با محل سکونت اش در فرآیندی از تجربه و آموزش ایجاد شده، و تفاوت حس مکانی در اشـخاص در شهرها و بافت‌های مختلف نتیجه تفاوت تجربیات حاصل از فعالیت‌ها و فضاها است. این فرآیند آشـناپنداری در شهرنشـین به دلیل ارتباط او با سکونتش در قالب خاطره‌سازی و ایجاد نوعی هویـت براسـاس خـوانش او از ریشـه‌دار بـودن اقامـت در سکونتگاه و نوعی در آنجا بودن مداوم است. خوانشی که شهر-خاطره را همچون تصـویری دنبالـه‌دار و چـون متنـی کـه در طـول زمـان و در طـی توسـعه‌هـای متمـادی همچنـان درحـال نوشـته شـدن اسـت، در ذهـن مـی‌آورد. والتـر بنیامین(Benjamin,1999) شهر را کتابی حماسی می‌داند که حاصل به خاطرسپاری‌های انسان پرسه زن[1] در شهر اسـت. با این خوانش است که شهر را چون لایه‌های متعدد دیرینه شناسانه در مقابل دیدگان شهرنشـین قـرار مـی‌دهـد. منظـری هزارتو که اثراتی از حیات، فرهنگ، سنت‌ها و وقایع پیشین در آن حفظ شده است.مامفورد(Mumford,1981) بـر ارتبـاط میان زمان و فضای شهری تاکید می‌کند. شهرهایی که محصول زمان بوده و چون قالب‌هایی هسـتند کـه حیـات متمـادی انسان در آنها منجمد می‌شود. در این میان نه تنها یادبودها و ساختمان‌ها، بلکـه قطعـات رفتارهـای اجتمـاعی، سـنت‌هـا و رسومات و فعالیت‌های شاخص نیز می‌توانند در محیط شهری باقی مانده و مشاهده شوند. آلدو روسـی(Rossi,1984) نیـز شهر را بایگانی‌ای از خاطرات شخصی و جمعی می‌داند که پیشامدهای انسانی در لایه‌هـای مختلـف در آن ثبـت مـی‌شـوند (Groat, 2000).

بخشی از متون مرتبط با بحث خوانش شهر-خاطره پس از بحث ژاک دریدا در زمینه پارادوکس دوگانه‌های حضور-غیـاب و گذشته-حال با ابداع نو-واژه "هانتولوژی[2]" در مقابل "هستی شناسی[3]" به حضور شبح‌وار گذشته و حیات آن در حـال مـی پردازد(Derrida,1994:10). این جهت‌گیری به تفسیر تاریخ با شکستن دوگـانگی‌هـای مـذکور موجـب توجـه مجـدد بـه استعاره "پالیمسست رومی" فروید(Freud,1989) شد. لغت یونانی "پالیمسست" متشکل از دو بخش "پالیم"(Palim) به معنای مجدد و "سستوس"(Psestos) به معنای ساییدن و پاک کردن است و به معنای ساییدن و پاک کردن متن موجود

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.17.6.8]

روی پاپیروس و نوشتن متن جدید روی آن است، در حین این که اثر نوشته‌های پیشین در آن نمایان باشد. فروید این استعاره را در اشاره به شباهت میان ساخت لایه‌ای شهر و روان بشر به کار برد و مقصود او از این واژه ادامه حیات تمامی مراحل اولیه توسعه در کنار آخرین آنها است. بیان کنندگی این استعاره در زمینه طرح حیات گذشته و حال در کنار هم و رازگونگی تصور متن گذشته شهر از روی آثار به یادگار مانده و نه مشاهده کامل آن موجب استفاده واژه پالیمسست در ادبیات مرتبط با حیات خاطره و فرهنگ در شهر و نوع خوانش آن شد. ویژگی چند لایه‌ای توسعه شهر در قرون متمادی و حذف‌ها و اضافات که به کاوشگر اجازه خوانش شهر را به عنوان ترکیبی از قصه‌های بیشمار می‌دهد.مانایی گذشته در ریخت امروزی شهر می‌تواند خود را به صورت تباین شدید و آشوبی گیج‌کننده نمایان کند که در عین حال به صورت اجزای یک تصویر هماهنگ و واجد هارمونی با کل ظاهر می‌شود(Busa,2010:159).

سیاست های شهری در زمینه هویت و خاطرات شهری

مساله جهت‌دهی به خاطرات جمعی[۴] از طرف سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری در راستای سیاست‌های ایجاد هویت جمعی در بسیاری از متون مرتبط با ارتباط خاطره، فرهنگ، هویت و زندگی هر روزه به نقد کشیده شده است. مسائل حساس در این حوزه عبارتند از امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر(میرمقتدایی،۱۳۸۸)، دستکاری و سیاست‌های گزینش خاطرات جمعی(Huyssen,1997 & 2003; Ladd,1997)، جهانی شدن و محو یکتایی خاطرات شهرها(Assmann and Conrad,2010) و تعیین هویت تاریخی و فرآیند ایجاد هویت ایده آل(Crinson,2005) که نه به طور جداگانه، بلکه با ارتباط بسیار نزدیک با یکدیگر از طرف پژوهشگران حوزه‌های جامعه‌شناسی، سیاست، برنامه‌ریزی، معماری، تاریخ، فلسفه و فرهنگ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. می‌توان اذعان داشت که روش دیالوگ شهر و خاطرات بر تمامی ابعاد زمانی شهر پرتو می‌افکند. تفسیر شهر و شهرنشینان از گذشته ناگزیر بر چشم انداز آینده شهر تاثیر می‌گذارد. چرا که خاطره در شهر یک رونوشت از پیشامدهای گذشته نبوده و در یک استعاره پالیمسستی ساز و کار تفسیر، خوانش و انتخاب است(Busa,2010:159). بررسی تعامل شهر در ارتباط با گذشته‌اش برای ساخت هویت شهری ضروری است و می‌توان گفت خاطره حاصل، دستکاری گذشته از طریق فرآیند انتخاب است(Huyssen,1997:58). در سیاست‌های شهری، راهبردهای هویت‌سازی و دستکاری حافظه جمعی از جمله ایجاد مکان، منظره‌سازی، بازاریابی شهر و اقدامات فستیوالی از طریق فرآیند سیاست‌گذاری و مداخله در خاطرات جمعی شهر با پررنگ نمودن لحظاتی خاص از تاریخ شهر از طریق تاکید فیزیکی و فعالیتی و برندسازی نشانه‌های آن، و حذف ترومایی وقایع و پیشامدهای ناگوار با پاکسازی یا تغییرات عمده کالبدی نشانه‌های بارزی که خوانش واقعه را ممکن می سازند، صورت می‌پذیرد (تصویر ۱).

ایجاد تئاترهای خاطره با شاخص‌سازی بخش‌های به خصوص و حذف یا نهان کردن بخش‌های نامطلوب به لحاظ اهداف سیاست‌گذاران با وجود این که تاریخی تحریف شده و با حذف میزان زیادی از حافظه شهری همراه است، اما همین امر می‌تواند باعث پیدایش حس نوستالژی برای شهروندان و گردشگران بشود. هم اکنون وسواسی جهانی در زمینه تجلیل از خاطرات شهری همسو با ایده‌آل‌های حال حاضر جوامع و یادبودگرایی و در عین حال تحریف خاطرات شوک‌آور وجود دارد(Huyssen,2003). این شکل از رهیافت‌های منتهی به حذف یا ابداع مجدد فضا، کالبد و فعالیت سابقه‌ای طولانی‌تر از مطالعات مطرح شده دارند. به عنوان مثال تلاش ناموفق پروژه "شهستان پهلوی" در دهه ۱۳۵۰-۱۳۴۰ برای تغییر نقش اقتصاد بافت سنتی بازار به منطقه‌ای برای گردشگران و تغییر زمان کالبدی- بصری آن، از زمان حال به گذشته‌ای دور و ایجاد یک مرکز جدید معتبر شهری در اراضی عباس آباد که می‌بایست با تصویری که محمدرضا پهلوی از پایتخت قرن بیست و یکم برای خود ساخته بود مطابقت داشته باشد. همین باعث دخالت ناگهانی او در سیاست های شهری شد(اورکاد،-۲۳۶:۱۳۷۵) و یا در کتاب "خاطره شهری"(Crinson,2005) اشاره به شهرهایی می‌شود که پیش از این سایت‌های صنعتی پیشتاز و مراکز فرهنگ مدرن بوده‌اند و هم اکنون در طی روند صنعتی‌زدایی به دنبال ابداع مجدد هویت و ایجاد نوستالژی دوره رونق صنعتی خود در قالب تئاترهای خاطره هستند. نمونه‌های مهم دیگر در زمینه این مداخلات مساله حذف و تغییر تصویر و خاطرات نامطلوب ناشی از یک واقعه ناگوار همچون مورد نیویورک(Huyssen,2003) و یا تغییرات

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1225602.1395.5.17.6.8]

ایجاد شده در نشانه‌های مرتبط با دوران جدایی آلمان شرقی و غربی در شهر برلین و تلاش در جهت ایجاد هویت شهری جدید در جامعه پس از اتحاد مجدد آلمان است(Huyssen,1997).

شکل ۱ - فرآیند تدوین سیاست‌های خاطره شهری(منبع: نگارندگان)

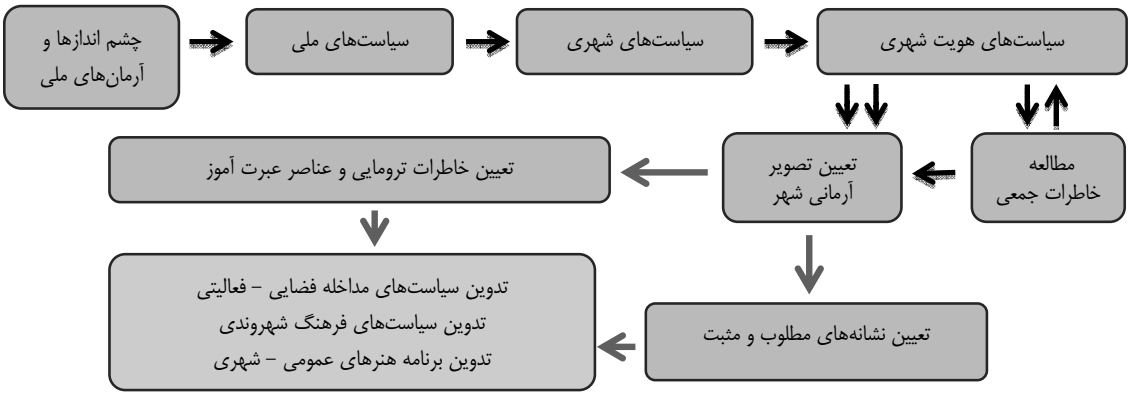

تبیین مولفه‌های ارتقای خاطره انگیزی محیط‌های شهری با تاکید بر هویت، فرهنگ

خاطره انگیزی محیط شهری کیفیتی است که قدرت ثبت وقایع و حال و هوای یک فضای شهری در ذهن در ارتباط با بستر سکونت است و این ارتباط دائمی در قالب انباشت تجربیات شهری جزئی از فرآیند تشکیل مکان و ایجاد حس تعلق به محیط‌های شهری است (Sime,1995). می‌توان اظهار داشت که خاطره انگیزی پدیداری اجتماعی- فضایی است که در تعامل شهر و شهروند شکل می‌گیرد. این کیفیت محصولی نیست که بتوان آن را با اقدامی دفعی و یکباره تولید کرد، بلکه خاطره انگیزی را باید فرآیندی از آفرینش مستمر محسوب کنیم که برای هدایت و کنترل آن نیازمند تدابیری از سنخ برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی هستیم.

در رویکردهای نوین آفرینش کیفیت خاطره انگیزی در شهر،نقش مشارکت شهروندان نقشی جوهری است و تعمیق تجربه حسی شهروندان از محیط‌های شهری و امکان مداخله و مشخص کردن فضاها که از آن به ایجاد «رنگ تعلق» نام برده می‌شود از گام های اساسی در این مورد است(گلکار،۷۴:۱۳۸۶). برای ارتقای این ارتباط، قدم اول تلفیق مطالعات و پژوهش‌های حوزه فرهنگ، هویت و خاطره شهری با فرآیندهای برنامه‌ریزی است (Hurley,2010:196). در این راستا برای ایجاد چارچوبی مشارکتی، ابتدا بایستی مولفه‌های اصلی موثر در خاطره انگیزی محیط شهری با رویکرد هویت تبیین شود. در مرحله دوم، این ابعاد در محیط شهری هدف، با توجه به مولفه‌ها و معیارهای استخراج شده، مورد مطالعه قرار گرفته و در گام بعدی روشن شدن دقیق ارتباط شهروندان و محیط از طریق پرسشنامه و ابزارهای تحلیل پاسخ‌ها، خط راهنمای اقدامات آینده در جهت افزایش خاطره‌انگیزی و هویت، برای برنامه‌ریزان و طراحان شهری، نتیجه مطالعه خواهد بود.

یکی از تاثیرگذارترین پژوهش‌ها در راستای تعیین مولفه‌های ارتباط شهروندان و محیط شهری، کتاب «روانشناسی مکان» کانتر (Canter,1977) است. کانتر با ارائه مدل مکان، سه مولفه مشخصات کالبد، فعالیت و معنا (مفهوم)را ابعاد اصلی هرگونه پژوهش در زمینه ارتقای کیفیت رابطه مردم و محیط شهری با رویکرد هویت وخاطره جمعی در طرح‌های توسعه معرفی می‌کند. وضعیت کالبدی بعنوان ظرف زندگی هر روزه با فعالیت به عنوان هرآنچه در این ظرف کالبدی تجربه می‌شود و معنا به عنوان علت واقع شدن این فعالیت‌ها معرفی می‌شود که تغییر هر یک از این‌ها بر دیگر ابعاد موثر است و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه بایستی هر سه جنبه را لحاظ نمایند (Ibid:155-160). در اینجا با استفاده از پژوهش‌های مونتگمری (Montgomery,1998&2003)، سایم (Sime,1995)، استرنبرگ (Sternberg,2000)، بالساس (Balsas,2004)، گل (Gehl,1987)، اودانل (O'donnell,2008)، سلطانی و نامداریان (۱۳۸۹)، خستو و سعیدی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.17.6.8]

رضوانی (۱۳۸۹) و لطفی (۱۳۹۰) که به تبیین معیارهای هر سه یا برخی از این حوزه های اصلی پرداخته اند، به تبیین معیارها و زیرمعیارها پرداخته شده است (جدول۱).

جدول ۱ - مدل استخراجی برای مطالعه حوزه‌های شکل‌گیری و حفظ هویت، خاطره و فرهنگ (منبع: نگارندگان)

حوزه های هویت، خاطره و فرهنگ	فعالیت	انتخابی (تفریحی) اجتماعی اجباری
	کالبد	عناصر طبیعی بستر مصنوع
	معنا	تداعی معانی برانگیختگی و مطلوبیت منظر

در شناخت خصوصیات کالبدی بایستی وضعیت عوامل طبیعی و بستر مصنوع مورد توجه قرار گیرد. مشخصات طبیعی از قبیل عنصر آب (نهر، رودخانه یا دریاچه)، پهنه های سبز (باغات یا جنگل)، ارتفاعات و هرگونه عنصر مهم یا نشانه طبیعی اشاره کرد. در مطالعه خصوصیات کالبدی بستر مصنوع بایستی به بررسی نفوذپذیری، ریزدانگی،تنوع و جذابیت، تعدد و کیفیت عرصه‌ها و فضاهای عمومی، استفاده از فضای سبز و عنصر آب، سبک‌ها و دوره‌های تاریخی معماری بناها، المان‌های معماری به عنوان تصویر، نشانه‌ها، تحریک بصری و توجه به جزئیات، جداره‌های فعال خیابان و کیفیت تسهیلات و مبلمان شهری پرداخته شود. گل (Gehl,1987)، فعالیت‌های شهری را به سه دسته عمده فعالیت های انتخابی (تفریحی)، اجتماعی و اجباری دسته‌بندی می‌کند. فعالیت‌های اجباری از قبیل کارکردهای شغلی، مراجعات اداری، عبور و مرور هدفمند و دیگر عملکردهایی که جنبه اجتماعی یا تفریحی ندارند. فعالیت اجتماعی مانند ملاقات دوستان، شرکت در فستیوال ها، جشن ها، نمایش ها و یا مناسبت های مهم محلی یا ملی، پیاده‌روی‌ها و یا تجمعات گروهی، اجتماعات خانوادگی،رشرکت در مراسم مذهبی و انواع دیگر تعاملات اجتماعی و فعالیت های تفریحی (انتخابی) مانند ورزش یا بازی، خلوت‌کردن یا قدم‌زدن، نشستن و استراحت، استفاده از رستوران یا کافه وجود کاربری‌ها و اقتصاد شبانگاهی، فعالیت‌های فرهنگی و دیگر تفریحات عمومی، محلی و یا موقعیتی و فصلی. مولفه معنا نیز به دو دسته تداعی معانی و برانگیختگی دسته‌بندی می‌شود (INHERIT, 2007). برانگیختگی عمدتاً متمرکز بر اثر مولفه کالبدی بر احساس کاربران نسبت به فضا و محیط است و شامل نشانه‌های شهری، بناهای شاخص، طراحی و سبک و عواملی از این قبیل است و تداعی معانی وابسته به حس تاریخ و پیشرفت ارتباط خاطره‌ای و عناصر هویت‌ساز و یا تصویر، فعالیت‌ها و عواملی که موجب هویت بخشی به محیط می‌شود (سلطانی و نامداریان،۱۳۹۰).

روش‌شناسی تحقیق

محدوده مورد مطالعه تحقیق

خیابان ولی‌عصر بلندترین خیابان شهر تهران و همچنین بلندترین خیابان خاورمیانه با درازای ۱۷.۹ کیلومتر است که از میدان راه‌آهن(۱۱۰۰متر بلندا از سطح دریا) در میانه‌جنوبی تهران آغازشده و به میدان تجریش(۱۶۰۰متر بلندا از سطح دریا) در منطقه شمیرانات در شمال تهران می‌رسد. خیابان ولی‌عصر که بسیاری آن‌را زیباترین خیابان تهران می‌دانند، در ۷ دی ۱۳۹۰ ثبت ملی شد. این خیابان دارای پیاده‌رو، جوی بزرگ آب و نزدیک یازده هزار چناردر دو سوی خود می‌باشد که نزدیک به ۹۰ سال عمر دارند و اکنون جزو میراث ملی به شمار می‌آیند. خیابان ولیعصر که به اعتقاد بسیاری مهم‌ترین و شاخص‌ترین خیابان تهران است، به‌لحاظ زیبایی و شناساندن تاریخ و فرهنگ و هم به لحاظ سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است. بسیاری از مراکز خرید بزرگ، پارک‌های عمومی به سبک باغ‌های ایرانی، رستوران‌های معروف، موزه‌ها، مراکز فرهنگی و دفاتر ملی و بین‌المللی در این خیابان قرار دارند. این خیابان همچنین از کانون‌های سنتی خرید تهران است و بوستان‌های بزرگ ملت و ساعی در کناره این خیابان جای دارند.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1225602.1395.5.17.6.8]

روش تحقیق

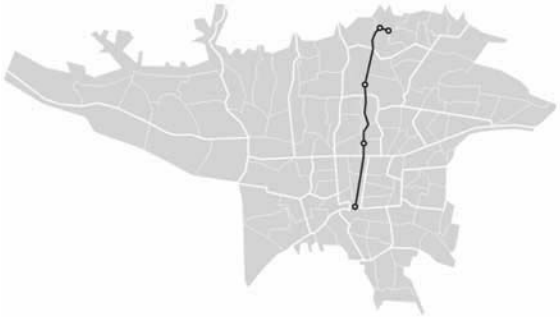

شکل ۲ – موقعیت خیابان ولی عصر در شهر تهران (منبع: touristfa.ir)

در پژوهش حاضر از روش‌های تحلیلی آمار استنباطی برای رسیدن به اهداف و پاسخ به سوالات تحقیق بهره برداری شده است. در ابتدا با مطالعه متون مرتبط با هدف پژوهش، ابعاد و معیارهای لازم برای بررسی تاثیرات متقابل کیفیت خاطره انگیزی و ارتباط کاربران با محیط‌های شهری استخراج شده و تصویرپذیری، خاطره انگیزی و کیفیت محیط در یک مدل مکانی با سه مولفه کالبد، فعالیت و معنا مورد سنجش قرار گرفته اند. دراین راستا از دو روش مشاهده مستقیم جهت شناخت عناصر و ابعاد مختلف محیط و تنظیم معیارها و مشاهده غیرمستقیم (پرسشنامه) و تحلیل پاسخ های کاربران برای تعیین عوامل موثر بر خاطره انگیزی، کیفیت و مطلوبیت محور تجاری- فراغتی ولی‌عصر شهر تهران با تاکید بر نقش هویت و خاطره استفاده شده است.

حجم نمونه

فرآیند نمونه‌گیری به معنای علمی خود، علمی تکنیکی است که باید مطابق دستوالعمل‌های استانداردی صورت گیرد تا ازحداکثر ثمر بخشی برخوردار باشد (مولر و دیگران،۱۳۸۱: ۴۰۱). خطای استاندارد میانگین به حجم نمونه و به تغییر جمعیت مورد نمونه‌گیری بستگی دارد (مولر و دیگران،۱۳۸۱: ۴۴۷). در این مطالعه خیابان ولی‌عصر تهران به عنوان یک جامعه آماری نامحدود[5] در نظر گرفته شده و برای محاسبه حجم نمونه از فرمول زیر استفاده گردیده است:

$$n \geq \frac{z^2\sigma^2}{d^2} \quad .\} \quad \rightarrow \quad n \geq \frac{1}{d^2} \qquad z = 1.96$$

دراین فرمول d نشان دهنده خطای قابل قبول، n مشخص کننده تعداد نمونه برای جوامع نامحدود و σ^2 واریانس صفت مورد نظر می باشد (Dickey and Watts,۱۹۸۷:۶۷).

اعتبار[6] و پایایی[7] ابزار اندازه‌گیری

در این تحقیق، برای اندازه‌گیری متغیرها ابتدا با مرور نوشتارهای نظری و تحقیقات پیشین، سؤالاتی در نظر گرفته شد. سپس سؤالات هر متغیر به تأیید نظر همکاران و متخصصین مربوطه رسید. بنابراین اعتبار پرسشنامه طراحی شده، اساساً مبتنی بر **اعتبار صوری**[8] بوده و بر تعاریفی و نظریاتی استوار است که حوزه مفهومی شاخص‌های هویت و معنا در فضاهای شهری را در بر می‌گیرند. پرسشنامه تهیه شده، ابتدا با نمونه ۴۰ نفری مورد پیش‌آزمون[9] قرار گرفت و ضریب پایایی آلفای کرونباخ[10] برای سؤالات هر متغیر محاسبه گردید و برخی سؤالات مبهم و بدون همبستگی کافی با دیگر سؤالات حذف شدند تا ضریب پایایی به حد قابل قبول بالای ۰/۷۰ برسد. چرا که در این روش، ابزار مورد نظر زمانی از پایایی مناسب برخوردار خواهد بود که ضریب آلفای کرونباخ بزرگتر یا مساوی ۰/۷ باشد (سانتوز،۱۹۹۹). بنابراین در این تحقیق از دو روش ثبات درونی (Internal Consistency) و دو نیمه سازی(Split half) به منظور بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری استفاده شد.درجدول ۲ نتایج مربوط به محاسبه ضریب پایایی آلفای کرونباخ و همچنین ضریب اسپیرمن براون برای بررسی همبستگی میان دو نیمه هر یک از پرسشنامه‌ها، پس از حذف سؤالات مبهم و غیر مرتبط آمده است؛

جدول۲ : ضریب پایایی آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی اسپیرمن براون منبع: نگارندگان

Variable	تعداد سؤالات	N	Cronbach's Alpha	Spearman-Brown
Activity	11	210	0/72	0/75
Form	15	210	0/81	0/89
Image/Meaning	12	210	0/76	0/81

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.17.6.8]

با توجه به جدول فوق، ضریب پایایی آلفای کرونباخ برای سؤالات هر یک از متغیرهای مورد بررسی بالاتر از ۰/۷۰ است، که نشان‌دهنده همسانی درونی بالای بین سؤالات و پایایی ابزار اندازه‌گیری است. چرا که به طور ایده‌آل، ضریب پایایی یک مقیاس باید بالای ۰/۷۰ باشد (د. ولیس، ۲۰۰۳).همچنین با توجه به ضریب همبستگی اسپیرمن براون، شدت رابطه بین دو نیمه پرسشنامه فعالیت ۰/۷۵ و بین دو نیمه پرسشنامه فرم و کالبد ۰/۸۹ و برای سوالات معنا ۰/۷۸ می‌باشد که نشان‌دهنده وجود همبستگی قوی بین دو نیمه هر یک از پرسشنامه‌ها و پایایی ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق است.

یافته‌های پژوهش

بر طبق اطلاعات بدست آمده از پرسش‌نامه‌ها، اکثریت کاربران خیابان ولی عصر (۷۳ درصد) در بازه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار دارند. با توجه به شکل شماره ۳ مشخص می شود که ۴۶ درصد از پرسش شوندگان در هفته حداقل یکبار به این مسیر مراجعه می کنند و همین آمار نشان دهنده اهمیت بالای این محدوده در شهر تهران است.

وضعیت شاخص‌های حفظ هویت، خاطره و فرهنگ در خاطره انگیزی خیابان ولی عصر که با مشاهده مستقیم توسط نگارندگان استخراج و اهمیت آنها از نظر پرسش شوندگان، از طریق تحلیل پرسش‌نامه‌ها بدست آمده است. با توجه به نتایج ارایه شده در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود که از نظر کاربران فعالیت های انتخابی(تفریحی) (۲۱/۰۴ درصد) مهمترین عامل خاطره انگیزی و عنصر اصلی هویت بخش و خاطره ساز خیابان ولی عصر بوده و پس از آن فاکتورهای بستر مصنوع، عوامل تداعی کننده معانی، برانگیختگی کیفیت بستر طبیعی، فعالیت های اجتماعی و فعالیت های اجباری در رتبه های بعدی اهمیت قرار می‌گیرند. به این ترتیب حوزه فعالیت های موجوددر خیابان ولی عصر به عنوان مهمترین حوزه هویت بخش و مولد خاطره انگیزی از نظر کاربران شناسایی شده اند و حوزه های معنا و کالبد در درجه بعدی قرار گرفته اند. (شکل ۴ و ۵).

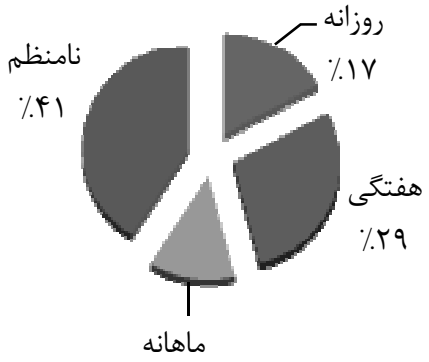

شکل ۳- الگوی مراجعه کاربران به خیابان ولی عصر
منبع: نگارندگان

شکل ۴- نمودار دایره‌ای سهم هر یک از شاخص‌های سه گانه در شکل دهی به کیفیت خاطره‌انگیزی و هویت
منبع: نگارندگان

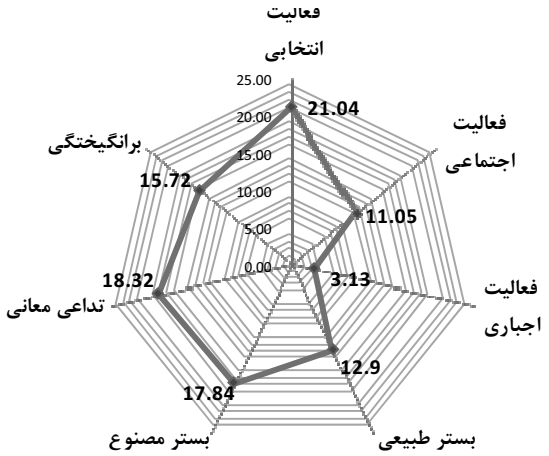

شکل ۵. تحلیل اسپایدر اهمیت فاکتورهای هویت و خاطره‌انگیزی درخیابان ولی عصر
منبع: نگارندگان

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1001.225602.1395.5.17.6.8]

تعیین اولویت اقدامات از دیدگاه کاربران

در جهت تبیین راهکارهای ارتقای خاطره‌انگیزی خیابان ولی عصر، پنج دسته راهکار تعریف شدند. پیشنهادات کاربران که برخی نیز در قالب پاسخ به سوالات باز مطرح شده بود در قالب جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳ : اولویت نسبی راهکارها و اقدامات بهبود کیفیت خاطره‌انگیزی و تصویرپذیری خیابان ولی عصر از دید کاربران

درصد	سیاست	درصد	نوع راهکار
۹/۳۶	ساخت بناهای شاخص و نشانه‌های شهری	۲۴/۱۴	راهکارهای معماری و طراحی شهری
۸/۳۷	بهبود منظر و هماهنگی با چشم انداز طبیعی		
۶/۴۱	افزایش ایمنی و امنیت در محور		
۷/۰۲	بهبود امکانات بهداشتی و رفاهی	۲۳/۴۱	بهبود تسهیلات و مبلمان شهری
۱۱/۲۱	افزایش امکانات فراغتی		
۵/۱۸	بهبود مبلمان شهری		
۶/۴۳	افزایش تعداد کاربری‌های فراغتی ریزدانه	۱۹/۲۸	برنامه ریزی کاربری زمین
۱۲/۸۵	ساماندهی کاربری های مزاحم و مسبب ازدحام		
۱۱/۷۰	کاهش مزاحمت جریان عبوری خودروها برای عابرین و تأکید بر پیاده مداری	۱۱/۷۰	ترافیکی
۱۰/۱۲	تقویت ویژگی‌های منحصر به فرد فضا	۲۱/۴۷	شخصیت پردازی فضا
۱۱/۳۵	استفاده از اشکال، فرم‌ها و عناصر تاریخی و واجد ارزش		

منبع: نگارندگان

نتیجه گیری

هرچند تاکنون نقدهای بسیاری به رویکرد مدرنیسم در یکسان انگاری مساله هویت انسانی شده و در حوزه مطالعات شهری پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه ارتباط زندگی شهری با مساله خاطره، هویت و ریشه‌های زمانی-مکانی سکونت صورت گرفته است، اما در بسیاری طرح‌ها و برنامه‌های شهری برنامه‌ریزان و طراحان توجهی به مساله خاطره شهری و حافظه جمعی ندارند. بنا به مطالعات انجام پذیرفته، سه حوزه خصوصیات کالبدی، فعالیت، معنا شکل گرفته از حیات هر روزه اذهان شهروندان، زمینه‌های شکل‌گیری هویت و خاطره در محیط های شهری است. هرگونه اقدامی در زمینه ارتقای کیفیت فضاها و افزایش خاطره‌انگیزی باید در جهت تعادل بخشی بین این سه حوزه و شاخص‌سازی محدوده مورد نظر صورت گیرد. در رابطه با ایجاد شناخت موردنظر مطالعه ریخت شناسی عناصر کالبدی، نماها و خط آسمان، کیفیت فضاهای شهری، لبه‌های خیابان‌ها، نشانه‌های شهری، یادمان‌ها، مجسمه‌ها، منظر طبیعی و طرز آمیزش آن با محیط مصنوع، تقویت فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی و ایجاد مکان‌های سوم (در کنار مکان‌های نوع اول و دوم، کار و سکونت) چون کافه ها و رستوران‌ها، گالری‌ها، فرهنگسراها، تاکید بر کارکردهای روزانه و شبانه، ایمنی و امنیت، بهبود تسهیلات و مبلمان شهری و تاکید بر هویت، خاطره و معنای محیط‌های شهری بایستی مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گیرد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-04-25]

[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.17.6.8]

استفاده از نظر کاربران فضا و مشارکت مردمی در مطالعه کیفیت محیط‌های شهری، موجب می شود تا ارزش‌های هویتی و میراث خاطره شهروندان که ممکن است از دید مدیران شهری و برنامه‌ریزان توسعه پوشیده باشد، آشکار شود. این رویکرد مشارکتی با تاکید بر هویت محیط و حیات شهری در افزایش خاطره انگیزی، روندی زمانبر و نیازمند توجه و مطالعات گسترده و مشارکت جویی وسیع از کاربران فضاها و بافت های شهری است که بر سیاست ها و اقدامات چند وجهی و جامع نگر با افزایش تعاملات اجتماعی و معنابخش به محیط از طریق خود شهروندان تاکید دارد و با استفاده از تفاوت خوانش‌ها و تکثر سلائق موجب افزایش پایداری اجتماعی ومحلی می‌شود. پایداری که حاصل فعال شدن پتانسیل‌ها، حفظ ایجاد بسترهای خلق خاطره و تجربیات شهری است. نتایج پژوهش حاضر در محدوده مطالعه، نشان می‌دهد که حوزه‌های فعالیت و معنا از نظر کابران واجد اهمیت بیشتری از عناصر کالبدی است و همین امر اهمیت برنامه‌ریزی در جهت ارتقای فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی را نشان می‌دهد. برنامه‌ریزی برای بهبود عامل کالبدی نیز بایستی در جهت افزایش امکان شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع و نیز بهبود تصویر و سیمای محیط در ذهن کاربران فضا باشد تا موجب ارتقای میراث هویت و خاطرات جمعی و تجمع میراث ناشی از زندگی هر روزه شهروندان در محیط‌های شهری شود.

پی‌نوشت‌ها

1Flaneur
2Hauntology
3Ontology
4Collective Memory
۵- همان طور که گفته شد، جامعه نامحدود آماری، جامعه ای است که حجم نمونه در مقایسه با حجم جامعه ناچیز است (Dickey and Watts، ۱۹۸۷: ۶۶).
6 Validity
7 Reliability
8. Face Validity
9. Pretest
10 Cronbach's Alpha

منابع

- اورکاد، ب. (۱۳۷۵). شهرسازی و بحران شهری در عهد محمدرضا پهلوی در تهران پایتخت دویست ساله: زیر نظر شهریار عدل و برنار اورکاد. انجمن ایران شناسی فرانسه، صص ۲۴۹-۲۳۱.
- حبیب، ف. و نادری، م. و فروزانگهر، حمیده. (۱۳۸۷). پرسمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت. نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره ۳، صص ۲۳-۱۳.
- خستو، م. و سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۸۹). عوامل موثر بر خاطره انگیزی فضاهای شهری: خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده. نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶، صص. ۷۴-۶۳.
- گلکار، کورش. (۱۳۸۶)، مفهوم کیفیت خاطره انگیزی در طراحی شهری. نشریه صفه، سال شانزدهم، شماره ۴۴، صص. ۷۵-۶۶.
- سلطانی، ع. و نامداریان، ا.ع. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر نیروهای مختلف در شکل گیری فضای شهری. نشریه هویت شهر، شماره ۷، صص ۱۳۰-۱۲۳.
- سلطانی، ع و نامداریان، ا. ع. (۱۳۹۰). تحلیل نقش فضاهای شهری در دستیابی به توسعه پایدار شهرها، تبیین. پارادایم ارتباط. نشریه باغ نظر، شماره ۱۸، صص ۱۲-۳.
- لطفی، س. (۱۳۹۰). بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تاملی بر بن مایه های فرهنگی و کنش بازآفرینی. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۵، صص. ۶۰-۴۷.
- میرمقتدایی، م. (۱۳۸۸). معیارهای سنجش امکان شکل گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر- مطالعه موردی شهر تهران. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷، صص ۱۶-۵.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1225602.1395.5.17.6.8]

1. Assmann, A. and Conrad, S. (2010). Memory in a global age: Discourses, Practices and Trajectories. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
2. Balsas, C.J.T. (2004). Measuring the Livability of an Urban Centre: An exploratory study of key performance Indicators. Planning, Practice and Research (JPPR), Vol.19, No.1, pp.101-110.
3. Benjamin, W. (1999). The Arcades Project, trans. Eiland, H. and McLaughlin, K., Cambridge, MA: Belknap Press.
4. Busa, A. (2010). City of Memory, in: Encyclopedia of urban studies. Ray Huchison (ed.) , SAGE Publications, pp. 160-158.
5. Canter, D.V. (1977). The Psychology of Place.London: The Architecture Press.
6. Crinson, M. (2005).Urban Memory: History and Amnesia in the Modern City. New York: Rutledge.
7. Derrida, J. (1994). Specters of Marx: The State of the Dept, The work of Mourning and The New International, Peggy Kamuf (trans.). London and New York: Rutledge.
8. Freud, S. (1989). Civilization and Its Discontent. trans. Gay, P., New York: Norton.
9. Gehl, J. (1987). Life between Buildings. Van Nostrad Reinhold Press, pp. 1-10.
10. Groat, L.N. (2000). Civic Meaning: The role of place, typology and design values in urbanism. Carolina Planning, Vol.25, No.1, pp.13-25.
11. Hurley, A. (2010). Beyond Preservation: Using Public History to Revitalize Inner-Cities. Philadelphia: Temple University Press.
12. Huyssen, A. (1997). The Voids of Berlin. Cultural Inquiry, Vol.24, No.1, pp. 58-81.
13. Huyssen, A. (2003). Present Pasts: Urban palimpsest and the politics of memory. Palo Alto, CA: Stanford University Press.
14. INHERIT (2007). Investing in Heritage: A guide to successful Urban Regeneration. INHERIT Partner Organization, European Association of Historic Towns and Regions (EAHTR).
15. Ladd, B. (1997). The Ghosts of Berlin: Confronting German History in the Urban Landscape. Chicago: University of Chicago Press.
16. Lefebvre, H. (1991). The Production of Space, Oxford. UK: Blackwell.
17. Montgomery, J. (1998). Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design. Journal of Urban Design(JUD), Vol.3, No.1, pp.93-116
18. Montgomery, J. (2003).Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part 1: Conceptualizing cultural quarters. Planning, Practice & Research, Vol.18, No.4, pp. 293-306.
19. Mumford, L. (1981). The Culture of Cities. Westport, CT: Greenwood Press.
20. O'Donnell, M.O. (2008). Urban Cultural Landscapes and The Spirit of Place. ICOMOS, Quebec: 77-hFCw-13.doc.
21. Rossi, A. (1984). The Architecture of the City. Cambridge: MIT Press.
22. Sime, J.D. (1995). Creating Places or Design Spaces. In: L.N. Groat (Ed.): Giving Places Meaning. London: Academic Press, pp. 27-41.
23. Sternberg, E. (2000). An Integrative Theory of Urban Design. Journal of American Planning Association (JAPA), Vol.66, No.3, pp.265-278.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2024-04-25]
[DOR: 20.1001.1.23225602.1395.5.17.6.8]